

# زندگی نامه زنان صحابه

حرف (آ)

قسمت 3

## ارده دختر حارث ثقفی

ارده دختر حارث بن کلهه ثقفی را صاحب کتاب الاصابه زوجه غزوان بن عتبه گفته و آورده است: زمانیکه غزوان بن عتبه امیر بصره بود ارده دختر حارث ثقفی زوجه اش نیز بهمرای او بود و ارده برادرش ابو بکره و همچنین برادران مادری خود نافع و زیاد را به بصره آورد.

در حالیکه صاحب تاریخ طبری از قول مدائنی<sup>۱</sup> می گوید: وی زن شبل بن معبد بجلی بوده و خواهرش صفیه زوجه غزوان بن عتبه می باشد و نامبرده خواهر

<sup>۱</sup> مدائنی : علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مکنی به ابوالحسن و معروف به حافظ ابوالحسن مدائنی مولای سمره بن حبیب و اصلش از بصره می باشد وی در اول به مدائن سکونت اختیار کرد و بعد به بغداد نقل مکان نمود و همیشه در آن شهر بود تا وفات یافت.

نامبرده در سال ۱۳۵ هجری قمری در بصره متولد گردید و در سال ۲۲۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت.

مدائنی مورخی کثیرالتصنیف است و این ندیم تالیفات او را در حدود دو صد جلد کتاب گفته است که در باره سیرت رسول الله(ص)، اخبارنساء، تاریخ خلفا، تاریخ وقایع جنگها، فتوحات، تاریخ شعرا و تاریخ شهرها نوشته شده است. یاقوت در معجم الادبا و ابن اثیرجزری در تاریخ کامل بعضی از کتب او را چنین ذکر کرده اند که عبارت است از: اخبار آل ابی العاص، اخبار ابن ابی عتیق، اخبار ابن جارود، اخبار ابن سیرین، اخبار ابی اسود دونلی، اخبار ابی طالب و بنیه(پسران او)، اخبار ابی العیص، اخبار ارمینیه، اخبار اسماعیل بن هبار، اخبار الاوائل، اخبار یاس بن معاویه، اخبار بشر بن مروان بن حکم، اخبار بنا کعبه، اخبار بنی نجاه، اخبار بویه بن المفسر، اخبار البیوتات، اخبار ثغرالهند، اخبار ثقیف، اخبار حجاج، اخبار حسن بن زید، اخبار الحمقا، اخبار حنائی برحمی، اخبار الحیوان، اخبار خالد بن صفوان، اخبار خوارج، اخبار الخیل، اخبارالدولت العباسیه، اخبار رقیه بن مصقله، اخبار الری و امرالعلوی، اخبار زابلستان، اخبار زیاد بن ابیه، اخبار زیاد بن عمرالاشرف، اخبار الشعرا، اخبار الشیوخ، اخبار طبرستان، اخبار عاص بن امیه، اخبارعباد بن حصین، اخبار عباس، اخبار عبدالله بن عباس، اخبار عبدالله بن عامر بن کریز، اخبار عبدالله بن عامر حضرمی، اخبار عبدالله بن سمره، اخبار علی بن عبدالله بن عباس، اخبار عمان و فتوح مصر، اخبارالعمائر، اخبار عمرو بن زبیر، اخبار عمرو بن سعید بن عاص، اخبار عمرو بن عاص، اخبار عمرو بن عبدالله بن معمر بن مثنی، اخبار الغرما، اخبار الفاطمیات، اخبار فرزذق، اخبار قضات بصره، اخبار قضات مدینه، اخبار قلاع، اخبار کرمان، اخبار متقیات، اخبار ممتلین، اخبار متیمین، اخبار مختصرمین، اخبار محمد بن عبدالله بن عباس، اخبارالمدینه و جبالها و اودیتها، اخبار مرج راهط، اخبار مسلم بن قتیبه و روح بن حاتم، اخبار مسمومین، اخبار مسور بن عمرو بن عباد، اخبار مقتریات، اخبار مغئیریات، اخبار مقطعات و متحریات، اخبار مکه، اخبار منافقین، اخبار المنقرات، اخبار موذین والمستهزئین للنبی(ص)، اخبارالنبی، اخبار النجاشی، اخبارنصر بن سيار، اخبار یحی بن عبدالله بن حرث، ادب الاخوان، ازواج النبی(ص)، اسباب النزول، الاستعداد علی الشعرا، اسما من قتل من الطالبین، الاسماوالکنی، اشراف عبدالقیس، اصلاح المال، اموال النبی(ص) اقطاع النبی(ص)، امهات النبی(ص)، تسمیه الخلفا و کناهم و اعمارهم، تفضیل الشعرا، بعضهم علی بعض، جوابات ربیعہ، جوابات القریش، جوابات مصر، جوابات الموالی، جوابات الیمن، حلی الخلفا، خبر الافک، خبر اصحاب کهف، خبر البصره، خبر حاکم(حکم) بن عاص، خبر خزاعه، خبر ساریه، خبر عمران بن خطاب(حطان)، خطب علی بن ابی طالب، خطب واصل، خلاف عبدالجبارالازدی و مقتله، فتحه الابله، فتح برفه، فتح سهول، فتح کرمان، فتح اهواز، فتح جرجان و طبرستان، فتح الجزیره، فتح الحیره، فتح خراسان، فتح ری، فتح سجستان، فتح شام، فتح عراق، فتح فارس، فتح شهرک، فتح مکران، فتح السامی، فتح مصر، فتح النبی(ص) ، فضائل جعفر بن ابیطالب، فضائل الحرث بن عبدالمطلب الهاشمی،

مادری ابوبکره، نافع و زیاد بن ابو سفیان بوده که مادر ایشان مولای حارث بن کلدیه بوده است و بلاذری او را در شمار زنان صحابیه آورده زیرا می گوید که تا حجة الوداع تمامی مردم قریش و ثقیف ایمان آوردند و مسلمان شدند .

الاصابه صفحه ۱۶۲۹

حیة الصحابیات صفحه ۹

تاریخ طبری جلد پنجم صفحه ۱۷۷۴

## ارنب دختر عقیف

ارنب دختر عقیف بن ابی العاص بن عبدشمس و مادرش نابغه مادر عمرو بن عاص بوده و عمرو بن عاص برادر مادری او می باشد از وی زبیر بن بکار و بعدا طبری یاد آوری نموده اند.

فضائل قریش، فضائل محمد بن حنفیه، قصیده خالد بن یزید فی ملوک والاحداث، قصیده عبدالله بن اسحاق بن فضل، کتاب الابیات التي جوابها كلام، كتاب الاشرية، كتاب الاكله، كتاب البخل، كتاب التعازی، كتاب الجمل، كتاب الجواهر، كتاب الحره واقم، كتاب الخاتم والرسل، كتاب آیات النبی، كتاب امر البحرین، كتاب الجیران، كتاب الحجة ابی بكر صديق، كتاب خبر ضبابی بن حرث برجمی، كتاب خطب النبی(ص)، كتاب الخیل، كتاب دعاء النبی(ص)، كتاب ذم الحسد، كتاب الریذه و مقتل الحبیش، كتاب الرده، كتاب الرساله الى ابن ابی داوود، كتاب رسائل النبی، كتاب السرايا، كتاب الصادق، كتاب الصفه النبی(ص) كتاب صلح النبی(ص)، كتاب ضرب الدراهم والصرف، كتاب عبدالله بن جعفر، كتاب عبدالله بن معاویه بن جعفر، كتاب ضعفا من الرجال الحدیث، كتاب العلل فی الحدیث، كتاب عمال النبی(ص)، كتاب عهد النبی(ص)، كتاب الغارات، كتاب القیافه والزجر والفال، كتاب كتب النبی(ص) الى الملوك، كتاب ما نهى عنه النبی(ص)، كتاب المدلسین، كتاب مختصر الخوارج، كتاب المراعى والجراد والكور والطاسیج، كتاب المروه، كتاب المسند بعلله فی الحدیث، كتاب المغازی، كتاب المفاخره اهل البصره والكوفه، كتاب المفاخره العرب والعجم، كتاب مقتل ابن هبیره، كتاب مناقضات الشعرا واخبار النساء، كتاب المناكح، كتاب مناقح زیاد و ولده و ادعا، كتاب المقينات، كتاب من استجيب دعوته، كتاب من اقترض من الاعراب فی الديوان، كتاب من بلغه موت رجل فتمثل بشعر، كتاب من تزوج مجوسیه، كتاب من تزوج من النساء الخلفا، كتاب من تسمى باسم ابیه، كتاب من تسمى باسم امه، كتاب من تشبه من النساء بالرجال، كتاب من تمثل بشعر فی مرضه، كتاب من جمع الاختین و من تزوج ابنه امراته، كتاب من شكك زوجها و شكاه، كتاب من فضل الاعراب على الحضریات، كتاب من قال شعرا على البديیه، كتاب من قال شعرا و اجيب فی الكلام، كتاب من قال فی الحكومه من الشعرا، كتاب من قال الشعر فی الاوید، كتاب من قتل عنها زوجها، كتاب من كتب له النبی(ص) كتابا و امانا، كتاب المنزویات من قریش، كتاب من كره مناكحته، كتاب من نسبه الى امه، كتاب من ندمه على المديح و ندمه على الهجا، كتاب من نسبه الى امه من الشعرا، كتاب من وصف امراته فاحسن، كتاب مواعده النویه، كتاب من وقفه على قبر فتمثل بشعر، كتاب من هاون او غزا، كتاب مهاجات عبدالرحمن بن حسان والنجاشی، كتاب النوادر ، كتاب نسب قریش و اخبارها، كتاب النوادر قتیبه بن مسلم، كتاب النهروان، كتاب الوفود، كتاب الولائم، كتاب من جمع اكثر من اربع نساء، كتاب من هجاها زوجها، كتاب النواكح، كتاب ولايت اسد بن عبدالله، كتاب هجا حسان لقریش، كتاب مقتل عمرو بن سعید بن العاص و كتاب يوم سنبل.

<sup>۱</sup> زبیر بن بکار اسدی مدنی: زبیر بن بکار بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام اسدی مدنی مکنی به ابو عبدالله قرشی زبیری قاضی مکه و از علماء، مورخین و نویسندگان و آگاه به انساب عرب بوده و از ابن عیینه و عبدالله بن نافع و ابی ضمیره و عبدالحمید بن ابی داوود و نصر بن شمیل و عمویش مصعب زبیری و ابراهیم بن منذر حزامی و جماعتی دیگر حدیث روایت نموده و از او ابن ماجه و نواسه اش جعفر بن مصعب بن زبیر بن بکار و ابو حاتم و حرمی بن ابی العلاء و ابن صاعد و بغوی و ابن ناجیه و احمد بن سلیمان طوسی و اسماعیل بن عباس و راق و دیگران روایت نموده اند.

دار قطنی او ثقه گفته و خطیب می گوید: وی مردی ثقه، ثابت قدم، علم به نسب، آگاه به اخبار متقدمین و دانسته به مسائل گذشته بود.

## ارنب مدنيه مغنيه

ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب الإصابة می گوید: در جز سوم از کتاب امالی<sup>۱</sup> محاملی<sup>۲</sup> روایتی را از اصفهانیین دیدم که از طریق ابن جریج<sup>۳</sup> از ابوالاصبع<sup>۴</sup>

نامبرده در سال ۱۷۲ هجری قمری در مدینه متولد گردید و بنا به گفته سلیمان طوسی در ذی القعدة سال ۲۵۷ هجری قمری به سن ۷۴ سالگی در مکه وفات یافت و در آن شهر دفن گردید و پسرش مصعب بر او نماز جنازه خواند و موالات او عبارت اند از: اخبار ابن الدمینه، اخبار ابن میاده، اخبار عمر بن ابی ربیع، اخبار ابن هرمه، اخبار ابی دغیل، اخبار ابی السائنه، اخبار حسان، اخبار جمیل، اخبار نصیب، اخبار الاحوص، اخبار اشعث، اخبار امیه، اخبار توبه و لیلی، اخبار حاتم، اخبار حمید، اخبار عبدالرحمن بن حسان، اخبار عبدالله بن قیس الرقیات، اخبار العرب و ایامها، اخبار العرجی، اخبار عمرو بن ابی اشعث، اخبار القاری، اخبار کثیر، اخبار المجنون، اخبار عیاده، اخبار هدیه، اغاره کثیر علی الشعراء، انساب قریش، کتاب الاختلاف، کتاب الاوس والخزرج، کتاب العقیق و اخباره، کتاب النحل، مزاج النبی(ص)، موقیبات فی الحدیث، نوادر اخبار النسب، نوادر المدنیین، وفود النعمان و کتاب الموقیبات که اخیر الذکر مجموعه ایست از نوادر تاریخی مشتمل بر نوزده جز و آنرا بنام موفق فرزند متوکل خلیفه عباسی که عهده دار تعلیم و تربیت او بود تألیف کرد. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه ۳۰۶ تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد دوم صفحه ۱۸۹ لغت نامه دهخدا جلد هشتم صفحه ۱۲۷۱۴

<sup>۱</sup> امالی: امالی جمع املا است و آن در اصطلاح کتاب مجموعه ای را گویند که عالم و دانشمندی در وسط می ایستاده و شاگردانش در گرداگرد او جمع می شدند قلم و کاغذ بدست می گرفتند و هر آنچه را استاد تقریر می کرد و خداوند(ج) برایش از علم بخشیده بود می گفت و شاگردانش می نویشتند و بعد آن مجموعه را جمع می کردند و آنرا املا و امالی می نامیدند در بین علمای گذشته اعم از فقها و محدثین اهل علوم عربیه و دیگران چندین امالی موجود است مثلا امالی ابن حاجب که نویسنده آن عثمان بن عمر مکنی به ابو عمرو مالکی است، امالی ابن حجر که نویسنده آن ابن حجر عسقلانی است، امالی ابن حصین که نویسنده آن هبث الله بن محمد بن عبدالواحد است، امالی ابن درید که نویسنده آن محمد بن ابوبکر لغوی است، امالی ابن شجری که نویسنده آن هبث الله بن علی است و تعداد زیادی کتب دیگر به این نام که از تفصیل آن می گذریم. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد اول صفحه ۱۸۰ و ۱۸۱

<sup>۲</sup> حسین بن اسماعیل محاملی قاضی: حسین بن اسماعیل بن محمد ضبی قاضی مکنی به ابو عبدالله محاملی بغدادی از محدثین ثقه صادق و پرهیزگار بود وی در سال ۲۳۵ هجری قمری متولد گردیده و به سال ۳۳۰ هجری قمری درگذشت او را کتابی بنام سنن در فقه است و نیز کتابی بنام محاسبات در حدیث دارد. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه ۲۵۱ لغت نامه دهخدا جلد سیزدهم صفحه ۲۰۳۵۵

<sup>۳</sup> ابن جریج ابو خالد عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج متولد سال ۸۰ هجری قمری و متوفی سال ۱۴۹ یا ۱۵۰ یا ۱۵۱ هجری قمری است وی از علمای مشهور صدر اول بوده و اصلا غیر عرب و از موالی بنی امیه می باشد محل تولد او مکه مکرمه بوده و در همانجا نیز پرورش یافته است و سفری نیز به عراق کرده و به خدمت منصور خلیفه عباسی رسیده است. گویند اول کسی است از مسلمانان که تصنیف کتاب کرد و سپس دیگران بدو اقتدا کردند و به قول دیگر اولین مصنف اسلام ابو رافع کاتب امیرالمومنین حضرت علی(رض) بوده است. لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه ۳۴۶ به نقل از نجاشی و ابن خلکان <sup>۴</sup> ابوالاصبع موسوم به سنیس یکی از محدثین است. لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه ۴۱۳

روایت گردیده است که جمیله مغنیه او را خبر داده که از جابر بن عبدالله در باره غنا(نوازنده گی و آواز خوانی) سوال کردم.

جابر بن عبدالله گفت: به نکاح گرفته بود کسی از انصار زنی از نزدیکان ام المومنین عایشه(رض) را و عایشه(رض) را دعوت کرده بود به قبا.

پیامبر اسلام برای عایشه(رض) گفتند: ( اهدیت عروسک؟) آیا همراهی می کنی عروس خود را؟

عایشه(رض) گفت: بلی.

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: (فارسلت معها بغنا، فان الانصاریحونه؟) آیا به همراه اش نوازنده فرستادی، زیرا انصار نوازنده گی را دوست دارند؟

عایشه(رض) گفت: نه.

پیامبر اسلام(ص) فرمودند: (فادرکیها بارنب) ارنب را پیدا کنید و بفرستید. ارنب زنی بود که در مدینه آواز خوانی و نوازنده گی می کرد.

الإصابة صفحة ۱۶۲۹  
حياة الصحابیات صفحة ۹

## اروی دختر انیس

اروی دختر انیس را ترمذی<sup>۱</sup> ذکر کرده و در کتاب التجرید نیز از وی نام برده شده و دار قطنی در کتاب العلل از طریق عثمان بن یمان<sup>۱</sup> آورده است که میگوید:

---

<sup>۱</sup> محمد بن عیسی ترمذی: محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن ضحاک سلمی مکنی به ابو عیسی ضریر بوغی و مشهور به ترمذی بوده و نامبرده امام، حافظ و محدث معروف و صاحب جامع الصحیح یکی از کتب ششگانه حدیث می باشد و آنرا در نهایت دقت تصنیف نموده چنانکه بدو مثل زنند.

وی در شهر های مختلف خراسان، عراق و حجاز گردش کرد و از مردم زیادی حدیث شنید ترمذی از ابو حامد احمد بن عبدالله بن داوود مروزی تاجر، هیثم بن کلیب شامی، محمد بن محبوب ابوالعباس محبوبی مروزی، احمد بن یوسف نسفی، ابو حارث اسد بن حمدویه، داوود بن نصر بن سهیل بزدوی، عبد بن محمد بن محمود نسفی، محمود بن نمیر و پسرش محمد بن محمود، محمد بن مکی بن فوج(نوح)، ابو جعفر محمد بن سفیان بن نصر نسفیون، محمد بن منذر بن سعید هروی و دیگران حدیث شنیده است وی شاگرد محمد بن اسماعیل بخاری بوده و در نزد او و بعضی از شیوخ او تلمذ کرده است.

حاکم ابو احمد می گوید: از عمران بن علان شنیدم که می گفت: محمد بن اسماعیل بخاری وفات نمود و از خود کسی را در خراسان مثل ابو عیسی ترمذی در علم و پرهیزگاری باقی نگذاشت و ابن حبان می گوید: وی از جمله ثقات بوده و کسی است که احادیث را جمع کرد و تصنیف نمود و حفظ کرد و تعلیم داد ترمذی در قریه بوغ ناحیه ترمذ در ماورالنهر متولد گردید و در سیزدهم رجب سال ۷۹ هجری قمری در همان زادگاهش قریه بوغ ترمذ وفات یافت. از وی علاوتا کتابهای الرباعیات فی الحدیث، شمائل النبی(ص)، کتاب التاریخ و کتاب العلل فی الحدیث باقی مانده است.

شنیدم از ابوالمقدام هشام بن زیاد<sup>۲</sup> و از هشام بن عروه<sup>۳</sup> و او از پدرش و او از  
اروی دختر انیس و حدیثی را در مورد وضو ذکر کرده است.

کشف الظنون حاجی خلیفه جلد ششم صفحه ۱۷  
تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد ششم صفحه ۲۳۱  
لغت نامه دهخدا جلد پنجم صفحه ۶۶۶۹

<sup>۱</sup> عثمان بن یمان حدانی لولوی: عثمان بن یمان بن هارون حدانی مکنی به ابو محمد لولوی بوده و اصل وی از  
هرات می باشد که در مکه سکونت اختیار نموده است.  
نامبرده از حفص بن سلیمان غاضری مقری، ربیع بن صالح، ثوری، عبدالله بن مومل، موسی بن  
علی بن رباح دیگران حدیث روایت نموده و از او محمد بن عباد مکی محمود بن غیلان، علی بن نصر  
جهضمی، احمد بن دورقی، احمد بن نصر نیشابوری، سعید بن یعقوب تالقانی، محمد بن ادریس وراق حمیدی،  
بکر بن خلف، عبدالله بن شیبیب، ابو یحیی بن ابو میسره و دیگران روایت نموده اند.  
ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و می گوید: گاهی خطا نیز می کرده است.  
نسائی یک حدیث از وی روایت نموده است.  
تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد چهارم صفحه ۱۰۱

<sup>۲</sup> هشام بن زیاد قرشی: هشام بن زیاد بن ابی زید قرشی مکنی به ابوالمقدام بن ابی هشام مدنی مولای عثمان  
بوده و از پدرش و مادرش و برادرش ولید و نیز از حسن بصری و ابی صالح و عمر بن عبدالعزیز و محمد  
بن کعب قرظی و موسی بن انس بن مالک و هشام بن عروه و دیگران حدیث روایت نموده و از او وکیع و زید  
بن حباب و ابن مبارک و عباد بن عباد مهلبی و نصر بن شمیل و ابوبکر حنفی و یزید بن هارون و مسلم بن  
ابراهیم و سفیان بن فروخ و دیگران روایت نموده اند اما اکثر محدثین او را ضعیف دانسته و احادیث او را  
غیر قابل اعتماد گفته اند.  
تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد ششم صفحه ۲۸

<sup>۳</sup> هشام بن عروه قرشی اسدی: هشام بن عروه بن زبیر بن عوام قرشی اسدی مکنی به ابوالمنذر و بقول بعضی  
ابو عبدالله بوده از جمله تابعین و از علمای مدینه و بزرگان اهل حدیث می باشد وی عبدالله بن عمر (رض) را  
دیده و موصوف سرش را دست کشیده و برای او دعای خیر کرده است همچنین سهل بن سعد، جابر و انس را  
نیز ملاقات نموده است.

نامبرده از پدرش و عمویش عبدالله بن زبیر و برادرانش عبدالله و عثمان و پسر عمویش عباد بن  
عبدالله بن زبیر و نواسه عمویش یحیی بن عباد و نواسه عموی دیگرش عباد بن حمزه بن عبدالله بن زبیر و  
همسرش فاطمه دختر منذر بن زبیر و همچنین عمرو بن خزیمه و عوف بن حارث بن طفیل و ابی سلمه بن  
عبدالرحمن و ابن منکدر و وهب بن کیسان و صالح بن ابی صالح سمان و عبدالله بن ابی بکر بن حزم و  
عبدالرحمن بن سعد و محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی و محمد بن علی بن عبدالله و دیگران حدیث روایت  
نموده و از او ابویوب سختیانی (گرچه قبل از او وفات یافته است) و عبیدالله بن عمر و معمر و ابن جریج و ابن  
اسحاق و ابن عجلان و هشام بن حسان و یونس بن یزید ایلی و شعبه و عمرو بن حارث و لیث بن سعد و فلیح  
بن سلیمان و محمد بن جعفر بن ابی کثیر یحیی بن عبدالله بن سلام و یحیی بن زکریا غسانی و مالک بن انس و  
زائده و هردو سفیان و هر دو حماد و مهدی بن میمون و اسرائیل و حفص بن میسره و اسامه بن حفص بن  
غیاث و حبیب معلم و جریر بن عبدالحمید و حمید بن عبدالرحمن و زهیر بن معاویه و زهیر بن محمد تیمی و  
سعید بن سلمه بن ابی حسام و روح بن قاسم و سعید بن عبدالرحمن جمحی و سلیمان بن بلال و سلام بن ابی  
مطیع و شعیب بن اسحاق و شریک بن عبدالله و ابن ابی الزناد و ابن ادریس و عباد بن عباد مهلبی و عبدالعزیز  
بن ابی حازم و دراوردی و ضحاک بن عثمان و عبدالله بن مبارک و عبدالرحیم بن سلیمان و عبدالعزیز بن  
مختار و عقبه بن خا بلد و عثمان بن فرقد و عثام بن علی عامری و علی بن هاشم بن برید و علی بن مسهر و  
عمر بن علی مقدمی و عیسی بن یونس و مالک بن سعیر و وکیع و ابومعاویه و محمد بن عبدالرحمن طفاوی و  
محمد بن مسلم بن ابی وضاح و ابن فضیل و نصر بن شمیل و یحیی بن سعید قطان و ابو ذکریا یحیی بن محمد  
بن قیس و یحیی بن یمان و یونس بن بکیر و ابو خالد احمد و ابو اسامه و ابو ضمیره و جعفر بن عون و عبدالله  
بن داوود خریبی و عبیدالله بن موسی و مردمان زیاد دیگری از وی روایت نموده اند.  
نامبرده در سال ۶۱ هجری قمری یعنی سال شهادت امام حسین متولد گردید و در سال ۱۴۶ هجری قمری  
وفات یافت.

اما ابن سکن می گوید: حدیث مذکور تثبیت نشده و در موردش غیر از هشام بن عروه کس دیگری حرف نزده است همچنین ابی المقدم محدث بصری اما ضعیف است. و ابن منده همین روایت را از ابی المقدم به همین سند آورده

اما گفته است و عن ابی اروی(از ابی اروی) و ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب الاصابه این را درست می داند.

و ابن اثیر جزری صاحب کتاب اسدالغابه نیز اروی دختر انیس را آورده می نویسد که اروی دختر انیس از پیامبر اسلام(ص) روایت نموده که فرموده اند: (من مس فرجه فلیتوضا) کسیکه شرمگاه خود را مسح کند باید از نو وضو نماید.

و حدیث مذکور را هشام بن عروه از پدرش و او از اروی روایت نموده است و بعضی از محدثین روایت را از ابو اروی گفته اند.

حدیث فوق را نسائی در جلد ششم صفحه ۲۱۶ کتاب خود و ابن ماجه در جلد اول صفحه ۱۶۲ کتاب خود و دارمی در جلد اول صفحه ۱۸۵ کتاب خود و بیهقی در جلد اول صفحه ۱۳۰ کتاب خود و حاکم در کتاب المستدرک جلد اول صفحه ۱۳۷ و ۱۳۸ و طبرانی در کتاب الکبیر جلد پنجم صفحه ۳۷۹ و ابن حبان در صفحه ۲۱۱ کتابش و دارقطنی در جلد اول صفحه ۱۴۶ کتابش و هیثمی در کتاب الزواهد جلد اول صفحه ۲۴۷ و ۲۴۸ و احمد در جلد ششم صفحه ۴۰۶ کتابش و ابن عدی در جلد اول صفحه ۱۹۲ و جلد دوم صفحه ۷۹۳ و جلد ششم صفحه ۲۱۲۵ کتابش آورده است.

و علامه دهخدا به نقل از کتاب اعلام زرکلی آورده است که اروی دختر انیس از جمله زنان صحابیه بود عاقبت نابینا شد و در آخر عمر به چاه افتید و وفات یافت.

الاصابه صفحه ۱۶۲۹

حیة الصحابیات صفحه ۱۴

اسدالغابه جلد هفتم صفحه ۷

لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه ۱۹۴۰ به نقل از اعلام زرکلی

## اروی دختر حارث هاشمی

اروی دختر حارث بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی هاشمی و مادر مطلب بن ابی وداعه سهمی بوده است.

---

تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد ششم صفحه ۳۳ و ۳۴  
لغت نامه دهخدا جلد پانزدهم صفحه ۳۳۴۷۸ به نقل از اعلام زرکلی

---

ابن سعد اروی موصوفه را در باب زنان صحابیه و دختران عموی رسول الله (ص) آورده و می گوید: مادرش غزیه دختر قیس بن طریف (طریق) بن عبدالعزی بن عامر بن عمیره بن ودیعه بن حارث بن فهر بن مالک بوده است همچنین ابن سعد گفته که اروی دختر حارث برای ابی وداعه پسرانی بنام های مطلب و ابا سفیان و دخترانی بنام های ام جمیل، ام حکیم و ربعه بدنیا آورد و عبلمه دهخدا به از کتاب اعلام زرکلی می نویسد که اروی دختر حارث بن عبدالمطلب و دختر عموی رسول الله (ص) بوده است. وی از جمله زنان صحابیه می باشد و تا زمان بعد از رحلت حضرت علی مرتضی (رض) حیات داشت و از رفتار خلفای اموی در باره اهل بیت و خاندان رسول الله (ص) انتقاد می کرد او در سال ۵۰ هجری قمری وفات یافت

الإصابة صفحه ۱۶۲۹

حیة الصحابیات صفحه ۱۴

طبقات محمد بن سعد جلد هشتم صفحه ۴۹

لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه ۱۹۴۰ به نقل از اعلام زرکلی

### اروی دختر حارث ثقفی

اروی دختر حارث بن کلدۀ ثقفی و زوجه عتبه بن غزوان امیر بصره می باشد از وی در زمان قدومش به بصره و مصر یاد آوری گردیده است و به سبب او بود که برادران مادری اش ابو بکره، نافع و زیاد بن عبید که بعدا زیاد بن ابی سفیان نامیده شد به بصره آمدند.

مادر جمیع ایشان سمیه مولاۀ حارث بن کلدۀ می باشد از اروی مذکورۀ بلاذری یاد آوری نموده و این را باید خاطر نشان ساخت که در زمان حجۀ الوداع احدی از قریش و ثقیف باقی نماندند مگر اینکه مسلمان شدند و به همراه رسول اکرم (ص) در حجۀ الوداع اشتراک نمودند.

حیة الصحابیات صفحه ۱۴ و ۱۵

---

<sup>۱</sup> احمد بن یحیی بلاذری بغدادی: احمد بن یحیی بن جابر بن داوود بلذری مکنی به ابو جعفر و به گفته بعضی ابوالحسن و یا ابوبکر بوده و از مورخین مشهور و از مردم بغداد می باشد.

وصولی نام او را در شمار ندمای متوکل علی الله خلیفه عباسی آورده است. و ابن عساکر می گوید: وی مامون خلیفه عباسی را مدح کرده است نامبرده در آخر عمر مبتلا به جنون شده بود و در سال ۲۷۹ هجری قمری در ایام خلافت معتمد خلیفه عباسی وفات یافت و از جمله تالیفات وی کتاب های ذیل می باشد: ۱. الاستقصا فی الانساب والخبار که نا تکمیل است. ۲. انساب الاشراف در دو جلد که کتاب مشهو و معروفی است. ۳. کتاب البلدان الصغیر ۴. کتاب البلدان الکبیر که نا تکمیل است. ۵. کتاب عهد اردشیر که آنرا به شعر آورده و از فارسی به عربی ترجمه کرده است. بلاذری یکی از نقله و مترجمین از زبان فارسی به عربی است.

کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه ۴۵

لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹

## اروی دختر ربیعہ ہاشمی

اروی دختر ربیعہ بن حارث بن عبدالمطلب ہاشمی و زوجہ حبان بن منقذ انصاری و مادر ام یحی و واسع فرزندان حبان بن منقذ بوده است از وی دار قطنی در کتاب((الاخوه)) نام برده است و ابن منده<sup>۱</sup> حدیثی را به نقل از عطف بن خالد و او مادرش و او از ماد اروی موصوفه آورده است.

اما بعضی از مورخین اسم زوجہ حبان بن منقذ و دختر ربیعہ بن حارث را ہند گفته اند. و ابونعیم به نقل از عبدالقدوس بن ابراہیم و او از عطف بن خالد و او از مادرش و او از مادر خود اثیمہ جد عطف بن خالد(اروی) روایت نموده کہ وی بہ نزد رسول اللہ(ص) آمدہ و در آن وقت او خورد سال بودہ است مگر اینکہ ابو عمر او را اثیمہ مخزومیہ جدہ عطف بن خالد گفته و ابن منده و ابو نعیم او را ہاشمی گفته اند.

الاصابہ صفحہ ۱۶۲۹

اسدالغابہ جلد ہفتم صفحہ ۵

حیة الصحابیات صفحہ ۱۳ و ۱۴

## اروی دختر ابی العباس اموی قرشی

اروی دختر ابی العاص بن امیہ بن عبد شمس بن عبد مناف قرشی اموی و عمہ حضرت عثمان(رض) و مروان بن حکم می باشد از وی جعفر مستغفری یاد نموده و در سندی کہ از طریق سلمہ بن فضل<sup>۲</sup> و او از محمد بن اسحاق آورده مینویسد کہ وی از جملہ زنانی بود کہ در روز فتح مکہ با پیامبر اسلام(ص) بیعت کردند.

<sup>۱</sup> ابن منده عبدی: محمد بن اسحاق بن ابو عبدالله محمد بن یحی بن منده بن ولید بن منده بن بطہ بن استدار بن چهار بخت بن فیروزان مکنی بہ ابو عبدالله عبدی اصفہانی حافظ ، ثقہ و مشہور بہ علم حدیث بودہ و مولف کتاب تاریخ اصفہان می باشد.

نامبرده از خاندان ابن منده بودہ کہ شخصیتہای بزرگ علمی از آن بر خاستند مادرش برہ دختر محمد از قبیلہ عبد یالیل از قبائل عرب بود و لذا عبدی بہ خالو های خویش منسوب گردید و پدرش اصلا از مردم اصفہان است عبدی در سال ۳۱۰ ہجری قمری متولد گردید و در ۳۹۵ ہجری قمری وفات یافت. از جملہ تالیفات او علاوہ بر تاریخ اصفہان کتاب توحید و اثبات الصفات علی الاتفاق والتفرد در ہفت جز، کتاب اسماالصحابہ و کتاب المعرفہ می باشد.

کشف الظنون حاجی خلیفہ جلد ششم صفحہ ۴۶

لغت نامہ دہخدا جلد سیزدہم صفحہ ۲۰۴۳۴ جلد چہارم صفحہ ۵۰۴۰ بہ نقل از وفيات الاعیان

چاپ بیروت جلد چہارم صفحہ ۲۸۹

<sup>۲</sup> سلمہ بن فضل انصاری: سلمہ بن فضل معروف بہ ابرش مکنی بہ ابو عبدالله ازرق انصاری از موالی انصار می باشد و قاضی ری بودہ است نامبرده از ایمن بن نابل و محمد بن اسحاق و ابی جعفر رازی و ابراہیم بن طہمان و ثوری و ابن خثیمہ جعفری و ابن سمان و دیگران حدیث روایت نموده و از او کاتبش عبدالرحمن بن سلمہ رازی و ابن معین و عبدالله بن محمد مسندی و عثمان بن ابی شیبہ و محمد بن حمید رازی و محمد بن عمرو زنیج و وثیمہ بن موسی مصری و یوسف بن موسی قطان و دیگران روایت نموده اند بخاری می گوید: او بعد از سال ۱۹۰ ہجری قمری وفات نموده و ابن سعد گفته است کہ نامبرده در ری وفات یافته در حالی کہ ۱۱۰ سال از عمرش گذشتہ بودہ است.



## اروی دختر عبدالمطلب قرشی ہاشمی

اروی دختر عبدالمطلب بن ہاشم بن عبد مناف قرشی ہاشمی عمہ رسول اللہ (ص) بوده است.

اروی را ابو جعفر عقیلی<sup>۱</sup> در شمار صحابہ ذکر کرده و خواہرش عاتکہ دختر عبدالمطلب را نیز ذکر کرده اند اما دیگر مورخین این مطلب را انکار نموده اند و ابن اسحاق و تعدادی از مورخین می گویند کہ از عمہ های پیغمبر خدا غیر از صفیہ مادر حضرت زبیر بن عوام (رض) کس دیگری مسلمان نشدہ است و برخی از مورخین گفته اند کہ از عمہ های رسول اللہ (ص) صفیہ و اروی مسلمان شدہ اند و ہمین مطلب را اغلب مورخین درست تر گفته اند.

و ابو عمر می گوید: دختران عبدالمطلب و عمہ های رسول خدا (ص) شش نفر بودند.

اول: ام حکیم دختر عبدالمطلب کہ برایش (البیضا) گفته می شد وی دو قلو بود بہ ہمراہ عبد اللہ بن عبدالمطلب اما در این مطلب مورخین اختلاف نظر دارند و تمام مورخین اتفاق نظر دارند بہ اینکہ ام حکیم خواہر پدر مادری عبد اللہ و ابوطالب و زبیر پسران عبدالمطلب بودہ است.

ام حکیم را کریز بن ربیعہ بن حبیب بن عبد شمس بن عبد مناف بہ نگاہ گرفت کہ از ایشان پسری بنام عامر و دخترانی متولد گردیدند.

دوم: عاتکہ دختر عبدالمطلب کہ زوجہ ابی امیہ بن مغیرہ مخزومی بود کہ از ایشان زہیر، عبد اللہ و قریبہ متولد گردیدہ اند.

---

تہذیب التہذیب ابن حجر عسقلانی جلد دوم صفحہ ۳۸۰ و ۳۸۱

<sup>۱</sup> محمد بن عمرو عقیلی مکی: محمد بن عمرو بن موسی بن حماد عقیلی مکی مکنی بہ ابو جعفر از محدثان قرن سوم و چہارم بودہ و در حرمین سکنا داشت اوراست: کتاب الضعفا صاحب کتاب شذرات الذهب می گوید: عقیلی صاحب (جرح و تعدیل) بود و او را در شمار اہل حجاز آورده اند و نامبرده از اسحاق دبری و ابو اسماعیل ترمذی و دیگران حدیث روایت نموده و از او ابوالحسن محمد بن نافع خزاعی و ابوبکر بن مقرئ روایت نموده اند.

حافظ ابوالحسن قطان گفته است: ابو جعفر عقیلی ثقہ، جلیل القدر، عالم بہ حدیث و مقدم بہ حفظ بود و در ماہ ربیع الاول سال ۳۲۲ ہجری قمری در مکہ وفات یافت. لغت نامہ دہخدا جلد دہم صفحہ ۱۶۰۱۴ بہ نقل از اعلام زرکلی شذرات الذهب جلد دوم صفحہ ۴۹۸

سوم: بره دختر عبدالمطلب که زوجه ابی رهم بن عبدالعزی عامری بود و بعد از وی او را عبدالاسد بن هلال بن عبدالله بن عمر بن مخزوم به نکاح گرفت اما بعضی از مورخین می گویند که عبدالاسد قبل از ابی رهم شوهر بره بوده است.

چهارم: امیمه دختر عبدالمطلب که زوجه جحش بن رئاب بن یعمر اسدی بود که از ایشان عبدالله، عبیدالله، ابی احمد، زینب، ام حبیبه و حمنه متولد گردیدند.

پنجم: اروی دختر عبدالمطلب که اول زوجه عمیر بن وهب بن ابی کبیر بن عید بن قصی بود که از ایشان طلیب بن عمیر متولد گردید و بعدا او را کلدی بن عبد مناف بن عبد دار بن قصی به نکاح گرفت در مورد مادر اروی دختر عبدالمطلب اختلاف است بعضی از مورخین می گویند: مادرش فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم بوده که اگر صحیح باشد وی خواهر پدر مادری عبدالله، زبیر، ابوطالب (عبدالکعبه)، ام حکیم، امیمه، عاتکه بره بوده است و بعضی دیگر از مورخین می گویند: مادر اروی دختر عبدالمطلب صفیه دختر جندب بن حجیر بن رئاب بن حبیب بن سواه بن عامر بن صعصعه بوده که اگر آن صحیح باشد وی خواهر پدر مادری حارث بن عبدالمطلب است.

ششم: صفیه دختر عبدالمطلب که مادرش هاله دختر وهیب بن عبد مناف بن زهره بوده و وی خواهر پدر مادری حمزه، مقوم و حجل پسران عبدالمطلب می باشد صفیه در زمان جاهلیت زوجه حارث بن حرب بن امیه بن عبدشمس بود و بعد از او با عوام بن خویلد بن اسد ازدواج کرد که از ایشان زبیر، سائب و عبدالکعبه متولد گردیدند. ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه می نویسد: بنا به گفته ابو عمر اروی در اول زوجه عمیر بن وهب بوده و از وی برای عمیر پسری بنام طلیب متولد گردید و سپس او را کلدی بن عبد مناف بن عبدالدار بن قصی به نکاح گرفت که اروی برای او نیز فرزند آورد به قول ابو عمر که از محمد بن اسحاق روایت کرده هیچ یک از عمه های پیامبر اسلام غیر از صفیه مادر حضرت زبیر (رض) مسلمان نشده اند اما عقیلی اروی را در زمره زنان صحابیه ذکر کرده و به نقل از واقدی از موسی بن محمد بن ابراهیم بن حارث تمیمی و او از پدرش روایت کرده است که وقتی طلیب بن عمیر فرزند اروی ایمان آورد به نزد مادرش اروی دختر عبدالمطلب آمد و گفت: ایمان بیاور و متابعت حضرت محمد (ص) را بنما برادرت حمزه نیز مسلمان شده است وی ایمان آورد و گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و پیامبر اسلام را پیروی کرد و آنحضرت را کمک نمود و پسرش را نیز بر نصرت پیامبر خدا تشویق نمود وی از جمله زنان شاعره بوده و در مدح حضرت محمد (ص) شعری نیز بدین مضمون سروده است:

الا یا رسول الله کنت رجائنا      و کنت بنا برا ام تک جافیا  
کان علی قلبی لذکر محمد      وما جمعت بعدالنبی المجاویا

و علامه دهخدا می نویسد اروی دختر عبدالمطلب عمه رسول خدا(ص) می باشد وی از جمله صحابیات رسول الله(ص) بود و شعر نیز می سروده است و این دو بیت از مرثیه ای است که در رثای پدر خویش عبدالمطلب سروده است بکت عینی و حق لها البکا علی سحر سجیته الحیا علی سهل الخلیفه ابطحی کرم الخیم نیته العلا وفات او در سنه پانزدهم هجری قمری واقع شده است.

و صاحب تاریخ حبیب السیر می نگارد اروی دختر عبدالمطلب و عمه رسول الله(ص) بوده و عبدالله، ابوطالب، زبیر، عبدالکعبه، اروی، بره، عاتکه امیمه و بیضا همگی از یک مادر بوده اند و مادر ایشان فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم مخزومی بوده است.

و ابن سعد در کتاب طبقات خود چنین نگاشته است: اروی دختر عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی است و مادرش فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم است. به روزگار جاهلی عمیر پسر وهب بن عبد مناف بن قصی او را به همسری گرفت و اروی برای او پسری بنام طلیب آورد سپس ارطاه پسر شرحبیل بن هاشم بن عبد مناف بن عبد الدار بن قصی او را به همسری گرفت و اروی دختری بنام فاطمه برای او زائید اروی دختر عبدالمطلب در مکه مسلمان شد و به مدینه هجرت کرد.

محمد بن عمر واقدی از موسی بن محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی<sup>۱</sup> از پدرش ما را خبر داد که می گفته است: طلیب بن عمیر پسر اروی هنگامیکه پیامبر اسلام(ص) در خانه ارقم بن ابو ارقم مخزومی بود اسلام آورد و از آن خانه بیرون آمد و پیش مادر خود اروی رفت، و گفت تسلیم فرمان خدا شدم و از آئین محمد(ص) پیروی کردم، مادر به او گفت چه نیکو کردی سزاوارترین کسیکه باید با او همکاری و یآوری کنی دانی تست به خدا سوگند اگر ما هم بر آنچه مردان توانایند توانا می بودیم از او پیروی و دفاع می کردیم، طلیب گفت: ای مادر عزیز من چه چیز ترا از مسلمانی و پیروی کردن از او باز می دارد و حال آنکه برادرت حمزه مسلمان شده است؟ اروی گفت منتظر می مانم و می نگرم خواهرانم چه می کنند من هم یکی از ایشان خواهم بود، طلیب گفت: من از تو خواهش می کنم و به خدایتسوگند میدهم که پیش محمد آیی و بز او سلام دهی و او را تصدیق کنی و گواهی دهی که خنایی جز پروردگار یکتا نیست و محمد(ص) فرستاده اوست. اروی پس از آن با زبان خود پیامبر یاری می داد و پسرش را بر یاری دادن و قیام کردن به اجرای دستور های رسول خدا(ص) ترغیب می کرد.

<sup>۱</sup> موسی بن محمد تیمی مدنی: موسی بن محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی مکنی به ابو محمد مدنی از پدرش و ابوبکر بن ابی جهم و اسماعیل بن ابی حکیم و عبدالله بن ابان بن عثمان حدیث روایت نموده و از او عقبه بن خالد سکونی ملقب به مجدر و محمد بن عبدالرحمن بن ابی ذئب و موسی بن عبیده ربذی و زیاد بن عبدالله بن علائه و عبدالله بن نافع الصائغ و دیگران روایت نموده اند اما احادیث او را بیشتر محدثین ضعیف گفته اند.

ابن سعد وفات او را در سال ۱۵۱ هجری قمری گفته و بخاری در کتاب اوسط او را در شمار کسانی آورده که در بین سالهای ۱۵۰ تا ۱۶۰ هجری قمری وفات یافته اند. تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد پنجم صفحه ۵۶۰ و ۵۶۱

محمد بن عمر واقدی از سلمه بن بخت از عمیره دختر عبیدالله بن کعب بن مالک از ام دره، از بره دختر ابو بحترات ما را خبر داد که می گفته است: ابو جهل و تنی جند از کافران قریش معترض رسول خدا شدند و آن حضرت را آزار دادند طلب بن عمیر آهنگ ابو جهل کرد و ضربه شگافنده بر سر او زد، او را گرفتند و به بند کشیدند و زندانی کردند. ابو لهب به دفاع از او برخاست و او را آزاد ساخت، به مادرش اروی گفتند پسر ت طلب را می بینی که چگونه خود را سر بلای محمد (ص) ساخته است؟ گفت خوشترین روز زندگانی او همان روزی است که از پسر دائی خود که به حق از سوی خدا آمده است دفاع کرده است، از او پرسیدند آیا تو نیز از محمد پیروی می کنی؟ گفت آری، کسی از ایشان پیش ابو لهب رفت و او را آگاه ساخت، ابو لهب پیش خواهر خود اروی رفت و گفت از تو و پیروی تو از محمد جای شگفتی است که آئین عبدالمطلب را رها کنی، اروی گفت: همینگونه است، تو نیز به یاری و دفاع از برادرزاده ات برخیز و او را از دشمن پاسداری کن اگر پیروز و کارش آشکار شد اختیار خواهی داشت که بر آئین او در آیی یا بر آئین خود پایدار باشی و اگر کشته شود عذر تو در باره برادرزاده ات پذیرفته خواهد بود، ابو لهب گفت: خیال می کنی ما میتوانیم با همه عرب ستیز کنیم؟ او آئین تازه آورده است و ابو لهب بر گشت.

محمد بن سعد گوید از کسی دیگری غیر از محمد بن عمر واقدی شنیدم که در آن روز اروی این بیت را سرود:

ان طلبیا نصر ابن خاله اساه فی ذی دمه و ماله

(همانا طلب پسر دائی خود را یاری داد و با تعهد و اموال خود با او مواسات کرد.)

و صاحب کتاب اسوه های راستین برای زن مسلمان می نویسد: اروی دختر عبدالمطلب عمه ای رسول خدا (ص) بود پسر طلب بن عمیر در همان ابتدا که هنوز تعداد مسلمانان به چهل نفر نرسیده بود و اسلام مخفیانه تبلیغ می شد به دین مبین اسلام مشرف گردید او زمانیکه رسول الله (ص) در خانه ای ارقم بن ارقم مخزومی موسوم به دارالارقم مخفیانه اسلام را تبلیغ می نمودند نزد رسول خدا (ص) شرف حضور یافت و به ایشان و رسالت ایشان ایمان آورد دائی او حمزه (رض) نیز قبل از او به دین اسلام شرفیاب شده بود.

طلب بن نزد مادرش رفت و اعلان کرد که اسلام را پذیرفته و به محمد (ص) ایمان آورده است.

مادرش با شنیدن این حرف نگران شد، چرا که او شاهد رفتار بیرحمانه ای قریشیان نسبت به مسلمانان بود و می دانست که پسرش نیز از این آزارها در امان نخواهد ماند.

اروی (رض) با تمام این مسائل با اعتماد به نفس خطاب به پسرش گفت: پسر من! تو شایسته ترین فردی هستی که می تواند از برادرم حمزه حمایت کند و او را یاری رساند.

بدان که به خدا سوگند! اگر من توانائی مردان را می داشتم بدون تردید رسالت محمد(ص) را می پذیرفتم و با تمام وجود از کیان این دین حمایت می نمودم ولی ما گروه زنان توان جسمی چندانی نداریم و از عهده آزار و اذیت قریشیان بی رحم بر نمی آئیم.

طلیب مادرش را تسلی می داد و به او توصیه می کرد که اسلام را بپذیرد. او خطاب به مادرش گفت: در حالیکه دائی ام حمزه(رض) اسلام را پذیرفته است و من نیز مشرف به اسلام شده ام چه چیزی مانع می شود که تو از اسلام سر باز زنی؟

طلیب علاقه وافری داشت تا مادرش مسلمان شود او مادرش را سوگند می داد و از او خواهش می نمود که کلمه ای طیبه ای(لااله الاالله) را بر زبان جاری کند و تسلیم او امر الهی گردد. بالاخره اروی تحت تاثیر سخنان پسرش قرار گرفت و مسلمان شد او و پسرش بعد از قبول اسلام از مدافعان و حامیان واقعی رسول خدا شدند. اروی در قول و عمل از رسول خدا(ص) حمایت می نمود و پسرش را نیز بدین امر تشویق می کرد.

طلیب با عرق ایمانی خاصی که پیدا کرده بود روزی شنید که ابو جهل رسول خدا(ص) را دشنام می گوید، او به شدت ناراحت شد و به او حمله ور گردید تا اینکه او را زخمی نمود.

این کار او خشم ابوجهل صفتان را بر انگیخت و باعث شد که شدید ترین شکنجه ها را بر او روا دارند. این در مانگان بد بخت که در مقابل ایمان چنین دلاور مردی به تنگ آمده بودند نزد مادرش رفتند تا از طریق او مانع کار های پسرش شوند. آنها خطاب به اروی گفتند: مواظب پسرت باش، اگر از حمایت محمد(ص) دست بردار از دست ما جان سالم بدر نخواهد برد!

آنها خیال می کردند با چنین سخنانی رعب و ترس در دل اروی ایجاد خواهد گردید و باعث خواهد شد که او بخاطر دلسوزی و شفقت مادرانه نگذارد فرزندش قربانی محمد(ص) و رسالت او شان گردد.

او بر خلاف تصور آنها بدون هیچگونه توجه و عنایتی به تهدیدات آنها فرمود: حمایت او از برادر زاده او(رسول خدا ص) از نظر من بسیار مطلوب و پسندیده است و این بهترین کاری است که او می تواند انجام دهد او از کسی حمایت می کند که به حق از جانب خداوند(ج) مبعوث گردیده و بری ارشاد و هدایت امت فرستاده شده است.

ابو جهل سیرتان به ایمان و شهادت آن بزرگ بانو نیز پی بردند و فهمیدند با چنین ایمانی کاری از پیش نخواهند برد آنها متوجه شدند که نه تنها اروی از تهدیدات آنها نمی هراسد بلکه او خود فرزندش را تشویق می کند تا در راه اسلام و رسول خدا(ص) جانفشانی نماید.

برای یک مادر شکنجه و آزار فرزندش از هر چیزی ناگوار تر است ولی چه چیزی باعث شده بود اینگونه اروی بی محابا آن هم در حالیکه می دانست هر لحظه ممکن است فرزندش جان خود را از دست بدهد او را به حمایت و دفاع از رسول خدا(ص) تشویق کند؟

بدون شک این ایمان و اخلاص او بود که وی را تا این حد اعتماد به نفس می بخشید و باعث می شد بی باکانه در مقابل کفار سر کش بی پروا باشد.

الاصابه صفحه ۱۶۲۹ و ۱۶۳۰  
الاستیعاب جلد چهارم صفحه ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۴۲۷ و ۴۲۸  
اسدالغابه جلد هفتم صفحه ۶  
حیة الصحابیات صفحه ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳  
تاریخ حبیب السیر جلد اول صفحه ۲۸۹  
طبقات ابن سعد جلد هشتم صفحه ۴۰، ۴۱ و ۴۲  
اسوه های راستین برای زن مسلمان صفحه ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶

### اروی دختر عمیس

اروی دختر عمیس را بعضی از مورخین نام برده اند اما درست آنست که وی همان اروی دختر کریز عبثمی مادر حضرت عثمان(رض) بوده است.  
الاصابه صفحه ۱۶۳۰  
حیة الصحابیات صفحه ۱۵

### اروی دختر کریز عبثمی

اروی دختر کریز بن ربیعہ بن حبیب بن عبد شمس عبد مناف بن قصی عبثمی بوده و مادرش ام حکیم<sup>۱</sup>(بیضا) دختر عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی

---

<sup>۱</sup> ام حکیم دختر عبدا لمطلب: ام حکیم نامش بیضا و دختر عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب هاشمی و مادرش فاطمه دختر عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم است.  
ام حکیم را به روزگار جاهلی کریز پسر ربیعہ بن حبیب بن عبدشمس بن عبد مناف بن قصی به همسری گرفت که برای او دو پسر بنام های عامر و طلحه و دو دختر بنام های اروی و ام طلحه آورد اروی را عفان بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس به همسری گرفت که برای عثمان بن عفان را زائید سپس عقبه بن ابی معیط اروی را به همسری گرفت که برای او دو پسر بنام های ولید و خالد و دختری به نام ام گلثوم آورد بدین حساب حضرت عثمان(رض) نواسه عمه رسول الله(ص) می باشد.

و عمه رسول خدا (ص) می باشد اروی مادر حضرت عثمان (رض) است و از وی ابن ابی عاصم در کتاب الوحدان یاد نموده و یحیی بن محمود به اسنادی از ابوبکر بن ابی عاصم آورده است که عبدالله بن شیبیب از ابراهیم بن یحیی بن هانی<sup>۱</sup> و از پدرش و او از خازم بن حسین<sup>۲</sup> و او از عبدالله بن ابی بکر و او از زهری<sup>۳</sup> و او

---

علامه دهخدا در این باره می نویسد ام حکیم ملقب به بیضا و قبه الدیباج دختر عبدالمطلب و عمه پیغمبر اسلام و از زنان حکیم و خردمند بنی هاشم و به کثرت ادب و فصاحت و بلاغت مشهور بود و شعر می سروده و از اشعار وی مرثیه ای است که به دستور پدر در حال حیاتش برای وی سروده است.

حیة الصحابیات صفحه ۱۰۹

طبقات ابن سعد جلد چهارم صفحه ۱۰۹

لغت نامه دهخدا جلد سوم صفحه ۳۳۳۹ به نقل از تذکره الخواتین صفحه ۳۶، در منثور صفحه ۵۹، ریحانه الادب جلد ششم صفحه ۲۱۷، تاریخ گزیده صفحه ۱۶۳

<sup>۱</sup> ابراهیم بن یحیی شجری: ابراهیم بن یحیی بن محمد بن عباد بن هانی شجری بوده و از پدرش حدیث روایت نموده و از او بخاری در غیر کتاب صحیح اش و ذهلی و ابن ضریس و دیگران روایت نموده اند. ابو حاتم او را ضعیف گفته اما ابن حبان او را در ثقات آورده است.

کتاب تهذیب التهذیب جلد اول صفحه ۱۷۵

<sup>۲</sup> خازم بن حسین خمیسی بصری: خازم بن حسین خمیسی بصری مکنی به ابو اسحاق در کوفه سکونت داشته و از ایوب سختیانی و مالک بن دینار و عطا بن سائب و محمد بن جحاده و دیگران حدیث روایت نموده و از او ابو معاویه و اسحاق بن منصور سلولی و احمد بن عبدالله بن یونس و حسن بن ربیع بجلی و جباره بن مغلس و یحیی حمانی روایت نموده اند اما اکثر محدثین احادیث او را ضعیف گفته اند.

تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی جلد ۵۲ صفحه ۵۲

<sup>۳</sup> محمد بن مسلم قرشی زهری مدنی: محمد بن مسلم بن عبدالله بن عبدالله بن شهاب بن عبدالله بن حارث بن زهره بن کلاب بن مره قرشی زهری مدنی معروف به حافظ ابوبکر محمد ابن شهاب زهری مدنی از تابعین معروف و یکی از فقهای هفتگانه و یکی از اعلام مشهور و عالم برجسته حجاز و شام بود او ده تن از صحابه را دیدار کرد و حدود دو هزار حدیث از آنان را فرا گرفت و نخستین کسی است که حدیث را تدوین کرد.

زهری از عبدالله بن عمر بن خطاب و عبدالله بن جعفر و ربیعه بن عباد و مسور بن مخزوم و عبدالرحمن بن ازهر و عبدالله بن عامر بن ربیعه و سهل بن سعد و انس بن مالک و جابر و ابی طفیل و سائب بن زید و محمود بن ربیع و محمود بن لیبید و ثعلبه بن ابی مالک و سنین بن ابی جمیله و ابی امامه بن سهل بن حنیف و قبیصه بن ذویب و مالک بن اوس بن حدثان و ابی ادریس خولانی و عبدالله بن حارث بن نوفل و ابراهیم بن عبدالله بن حنین و عامر بن سعد بن ابی وقاص و اسماعیل بن محمد بن سعد و جعفر بن عمرو بن امیه و حسن و عبدالله پسران محمد بن حنفیه و حصین بن محمد سالمی و حرمله مولای اسامه و حمزه و عبدالله و عبیدالله و سالم پسران عبدالله بن عمرو بن خارجه بن زید بن ثابت و حمید و ابی سلمه و ابراهیم پسران عبدالرحمن بن عوف و سلمان الاغر و سعید بن مسیب و سلیمان بن یسار و طلحه بن عبدالله بن عوف و عبدالله بن ابی بکر بن حزم و عبدالله بن کعب بن مالک و عبدالرحمن بن کعب بن مالک و عبیدالله بن عبدالله بن عتبه و عبیدالله بن عبدالله بن ابی ثور و عبدالله بن محیریز و عباد بن زیاد و عبدالرحمن بن مالک مدلجی و عبید بن سباق و اروه بن زبیر و عبیدالله بن عیاض و اعرج و عطا بن ابی رباح و علقمه بن وقاص و علی بن حسین بن علی و علی بن عبدالله بن عباس و عنبسه و یحیی پسران سعید بن عاص و قاسم بن محمد بن ابوبکر و محمد بن منکدر که از جمله نزدیکانش بود و محمد بن نعمان بن بشیر و محرز بن ابی حریره و محمد و نافع پسران جبیر بن مطعم و ابی بکر بن عبدالرحمن بن حارث بن هشام و هیثم بن ابی سنان و نافع بن ابی انس و یزید بن اصم ابی بکر بن سلیمان بن ابی حثمه و ابی عبید مولای ابن ازهر و عمره دختر عبدالرحمن و مردمان زیاد دیگر و نیز به طور مرسل از عباد بن صامت و ابو هریره و رافع بن خدیج و دیگران روایت نموده و از او عطا بت ابی رباح و ابو زبیر مکی و عمر بن عبدالعزیز و عمرو بن دینار و صالح بن کیسان و ابان بن صالح و یحیی بن سعید انصاری و ابراهیم بن ابی عبله و یزید بن ابی حبیب و جعفر بن ابی ربیعه و ایوب سختیانی و برادرش عبدالله بن مسلم زهری و اوزاعی و ابن جریج و اسحاق و عبدالله بن عمرو و عمرو بن شعیب و محمد بن علی بن حسین و یزید بن هاد و محمد بن منکدر و منصور بن معتمر و موسی بن عقبه و هشام بن عروه و مالک و معمر و و زبیدی و یونس بن یزید و ابو اویس و اسحاق بن راشد لیث و اسحاق بن یحیی کلبی و بکر بن وائل و زیاد بن سعد و ربیعه بن صالح و سفیان بن حسین و سلیمان بن کثیر و صالح بن ابی اخضر و عبدالرحمن بن خالد بن مسافر و عبدالعزیز بن ابی سلمه ماجشون و عمرو بن حارث مصری و معقل بن عبدالله جزری و عثمان بن ابی داوود و محمد بن عبدالله بن ابی عتیق و محمد بن عبدالله برادرزاده

از عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه ۱ و او از عبدالله بن عباس روایت نموده که مادران عثمان، طلحه، عمار، ابی بکر، زبیر و عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنهم همگی مسلمان شدند همین مطلب را حاکم آورده و ابن منده و ابو نعیم نیز ذکر کرده اند.

زهری و ابراهیم بن سعد بن ابراهیم زهری و جعفر بن برقان و هشیم و سفیان بن عیینه و دیگران روایت نموده اند.

صاحب کتاب العبر می گوید: زهری در نزد هشام بن عبدالملک خلیفه اموی از منزلت بالای برخوردار بود چنانکه یک مرتبه هشام برای او هفت هزار دینار داد.

زهری بنا به گفته ابو داوود و به نقل از احمد بن صالح در سال پنجاهم هجری قمری متولد گردید و خلیفه تولد او را در سال پنجاه و یکم و یحیی بن بکیر در سال پنجاه و ششم و واقدی در سال پنجاه و هشتم گفته اند و سال وفات او را واقدی در سال ۱۲۳ هجری قمری و عده دیگری از مورخین در سال ۱۲۴ هجری قمری گفته اند و زبیر بن بکار می گوید: وی در آخر رمضان سال ۱۲۴ هجری قمری به سن هفتاد و دو سالگی وفات یافت و ابن یونس وفات او را در رمضان سال ۱۲۵ هجری قمری گفته است.

وصاحب کتاب شذرات الذهب می نویسد که یزید بن عبدالملک بن مروان اموی او را قاضی مقرر نمود و بعد از فوتش او را به مصرف شخصی خویش در کنار شاهراهی دفن کرد که هر وقت از آنجا می گذشت بر وی دعا می نمود محل دفن او در آخر سرزمین حجاز و اول ناحیه فلسطین است و مرگ او را ضائع می دانست.

تهذیب التهذیب جلد پنجم صفحه ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶ و ۲۶۹ لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه ۳۷۰ و جلد نهم صفحه ۱۳۰۴۰ به نقل از اعلام زرکلی جلد دوم صفحه ۹۸۸ و عقدالفرید و عیون الاخبار و سیره عمر بن عبدالعزیز و تاریخ گزیده شذرات الذهب جلد اول صفحه ۲۸۴ و ۲۸۵

<sup>۱</sup> عبیدالله بن عبدالله هزلی مدنی: عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه بن مسعود هزلی مکنی به ابو عبدالله مدنی یکی از بزرگان تابعین و از فقهای هفتگانه مدینه و معلم و مودب (تربیت کننده و پرورش دهنده) عمر بن عبدالعزیز بوده است نامبرده از پدرش و بطور مرسل از عموی پدرش عبدالله بن مسعود و عمار بن یاسر و عمرو و بطور مستقیم از ابو هریره عایشه و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و عثمان بن حنیف و سهل بن حنیف و نعمان بن بشیر و ابی سعید خدری و ابی طلحه انصاری و ابی واقد لیثی و فاطمه دختر قیس و زید بن خالد و عبدالرحمن بن عبدالقاری و ام قیس دختر محسن و گروهی دیگری حدیث روایت نموده و از او برادرش عون و زهری و سعد بن ابراهیم و ابو زناد و صالح بن کیسان و عراق بن مالک و موسی بن ابی عایشه و ابوبکر بن ابی جهم عدوی و ضمیره بن سعید و طلحه بن یحیی بن طلحه و عبدالله بن عبیده ربذی و عبدالحمید بن سهیل بن عبدالرحمن بن عوف و خصیف جزری و دیگران روایت نموده اند.

واقدی می گوید: وی عالم، ثقه، فقیه، محدث کثیرالروایه و شاعر بود و در آخر عمر نابینا گردید.

عجلی می گوید: وی نابینا و یکی از فقهای مدینه و تابعی ثقه و مرد صالح و معلم عمر بن عبدالعزیز بود.

ابو جعفر طبری می گوید: وی پیشرو در علم و معرفت به احکام حلال و حرام و شاعری بلند پایه بود.

وابن عبدالبر می گوید: وی عالمی فاضل و پیشرو در فقه و شاعری نیکو کار و پرهیزگار بود و من از زمان صحابه فقیه ای شاعر تر شاعری فقیه تر از او سراغ ندارم.

و عمر بن عبدالعزیز گفته است که اگر عبیدالله بن عبدالله هزلی زنده می بود من هیچ حکمی را صادر نمی کردم مگر به رای او.

ابن حبان می گوید: وی از سادات تابعین بوده است.

وفات او را در سال ۹۸ هجری قمری قبل از وفات علی بن حسین (رض) ((امام زینالعابدین)) گفته اند.

تهذیب التهذیب جلد چهارم صفحه ۱۸ و ۱۹

شذرات الذهب جلد اول صفحه ۲۰۶ و ۲۰۷

لغت نامه دهخدا جلد دهم صفحه ۱۵۷۴۲ به نقل از اعلام زرکلی



و ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب الاصابه می گوید: در نوشته به قلم بجیری خواندم که اروی موصوفه مادر حضرت عثمان در زمان خلافت پسرش به عمر نود سالگی وفات یافت و حضرت عثمان(رض) بر وی نماز جنازه خواند و در قبرستان بقیع دفن گردید.

اروی بعد از دخترش ام گلثوم دختر عقبه بن ابی معیط مسلمان شد و با پیامبر اسلام بیعت نمود و تا زمان وفات در مدینه سکونت دائمی اختیار نکرد. علامه دهخدا آورده است که اروی دختر کریز مادر حضرت عثمان(رض) و ولید بن عقبه یکی از اصحاب پیامبر اسلام می باشد او دختر ام حکیم(بیضا) بنت عبدالمطلب و دختر عمه پیامبر اسلام است و نامبرده از جمله زنان صحابه می باشد.

و صاحب تاریخ حبیب السیر می نویسد: اروی دختر کریز بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس بن عبد مناف عیشمی و مادر حضرت عثمان ذی النورین بوده و مادرش بیضا دختر عبدالمطلب مکنی به ام حکیم عمه رسول الله(ص) بوده است و به روایت صاحب مقصد اقصی ام حکیم و عبدالله پدر بزرگوار رسول الله(ص) توأم متولد شده بودند(یعنی دو قلو بودند).

ابن سعد صاحب کتاب طبقات می نویسد: اروی را عفان بن ابی العاص بن امیه به همسری گرفت و اروی برای او عثمان و آمنه را زائید. پس از عفان عقبه بن ابی معیط اروی را به همسری گرفت که برای او ولید و عماره و خالد و ام گلثوم و ام حکیم و هند را زائید اروی دختر کریز مسلمان شد و پس از هجرت دخترش به مدینه او هم به آن شهر هجرت کرد و همچنان در مدینه بود تا به روزگار خلافت پسرش عثمان(رض) در گذشت.

واقدی از گفته داوود بن بکر بن ابو فرات اشجعی<sup>۱</sup> ما را خبر داد که می گفته است: از عبدالله بن کعب وابسته خاندان عثمان(رض) شنیدم که می گفت از عبدالله

---

<sup>۱</sup> داوود بن بکر اشجعی مدنی: داوود بن بکر بن ابو فرات اشجعی مدنی از اولاد اشجع بن ریث بن غطفان که قبیله مشهوری است می باشد و بعضی هم او را از موالی شان گفته اند.

بن حنظله بن راهب شنیدم که می گفت در تشییع جنازه مادر عثمان (رض) به روزیکه در گذشت حضور داشتند و او را در گورستان بقیع به خاک سپردیم و چون بر گشتیم مردم در مسجد به جماعت نماز گزارند و عثمان (رض) به تنهایی نماز گذارد و من هم کنار او نماز گزاردم و شنیدم که در سجده می گفت: بار خدایا بر مادرم رحمت آور. و پروردگارا مادرم را بیامرز و این به هنگام خلافت عثمان (رض) بود.

واقعی ما را خبر داد و گفت: اسحاق بن یحیی ۱ مرا خبر داد و گفت عمویم عیسی بن طلحه ۲ برای من نقل کرد و گفت خودم عثمان بن عفان را دیدم که از محل خانه غطیش تابوت مادرش را بر دوش داشت و همچنان آنرا بر دوش می داشت تا در محل نماز گزاردن بر جنازه ها بر زمین نهاد می گفت پس از اینکه مادرش را به خاک سپرد او را دیدم که کنار گورش ایستاده و برای او دعا می کند.

الاصابه صفحه ۱۶۳۰

اسدالغابه جلد هفتم صفحه ۶ و ۷

حیة الصحابیات صفحه ۱۳

تاریخ یعقوبی جلد اول صفحه ۵۳

---

نامبرده از محمد بن منکدر و موسی بن عقبه و سفان بن سلیم حدیث روایت نموده و از او اسماعیل بن جعفر و ابو ضمیره و ابن ابی حازم و دیگران روایت نموده اند.

تهذیب التهذیب جلد دوم صفحه ۱۱۱

۱ اسحاق بن یحیی تیمی: اسحاق بن یحیی بن طلحه بن عبیدالله تیمی بوده و سائب بن یزید از اصحاب رسول الله (ص) را دیده است و از عموهایش اسحاق و موسی پسران طلحه و عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و پسرش معاویه بن عبدالله بن جعفر و زهری و مجاهد و دیگران حدیث روایت نموده و از او زهیر بن معاویه و سلیمان بن بلال و معن قزاز و ابو عوانه و وکیع و ابن مهدی و ابن وهب و ابن مبارک و اسماعیل بن ابی اویس و جماعتی دیگر روایت نموده اند.

ابن سعد می گوید: وی در مدینه در زمان خلافت مهدی عباسی وفات یافت و سراج وفات او را در سال ۱۶۲ هجری قمری گفته است و ابن حجر از قول ابن عساکر می گوید: سن او نزدیک به سن عمر بن عبدالعزیز بوده و در وفدی نیز به حضور عمر بن عبدالعزیز رسیده است و زبیر بن بکار نقل کرده است که اسحاق بن یحیی در اول به ام یعقوب دختر اسماعیل بن طلحه ازدواج کرد و بعد از او دختر ابوبکر بن عثمان بن عروه بن زبیر را به نکاح گرفت اما بین این دو ازدواج هفتاد و پنج سال فاصله بود.

و اکثر محدثین او را در شمار ضعفا آورده و احادیثی را که روایت کرده ضعیف، متروک و مضطرب گفته اند

تهذیب التهذیب جلد اول صفحه ۲۲۲ و ۲۲۳

۲ عیسی بن طلحه تیمی مدنی: عیسی بن طلحه بن عبیدالله تیمی مکنی به ابو محمد مدنی بوده و مادرش سعدی دختر عوف مری می باشد وی از پدرش و معاذ بن جبل و عبدالله بن عمرو بن عاص و ابوهریره و عایشه و معاویه و عمیرین سلمه ضمیری و حمران بن ابان و دیگران حدیث روایت نموده و از وی پسران برادرش طلحه و اسحاق فرزندان یحیی بن طلحه و زهری و محمد بن ابراهیم بن حارث تیمی و محمد بن عبدالرحمن مولای آل طلحه و یزید بن ابی حبیب و دیگران روایت نمودند.

ابن سعد او را در طبقه اول از اهالی مدینه آورده و می گوید ثقه و کثیر الحدیث است و ابن جنید به نقل از ابن معین او را ثقه گفته است همچنین نسائی و عجلی او ثقه گفته اند و خلیفه و دیگران می گویند: او در زمان خلافت عمر ابن عبدالعزیز وفات یافته است و ابن منجویه وفات او را در سال ۱۰۰ هجری قمری آورده است و ابن حبان نامبرده را در شمار ثقات آورده و می گوید وی از فضلا و عقلا اهل مدینه بوده است.

تهذیب التهذیب جلد چهارم صفحه ۴۳۲ و ۴۳۳

لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه ۱۹۴۰ به نقل از اعلام ترکی و عقدا لفرید جلد دوم  
صفحه ۲۳۸ و جلد پنجم صفحه ۴۱  
تاریخ حبیب السیر جلد اول صفحه ۴۹۷  
طبقات ابن سعد جلد هشتم صفحه ۲۳۹

### اروی دختر مالک انصاری

اروی دختر مالک بن خنسا بن سنان بن عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمه  
انصاری و خواهر پدر مادری طفیل بن مالک انصاری بوده که در غزوه بدر  
شرکت داشت.

مادرش اسما دختر قین بن کعب بن سواد از بنی سلمه بود و اروی با عمرو بن  
عدی بن سنان بن نابی بن عمرو بن سواد ازدواج کرد و از ایشان خالد و ام منیع  
فرزندان عمرو متولد گردیدند. ابن سعد در کتاب طبقات نیز از اروی موصوفه یاد  
آوری نموده و آورده است که نامبرده اسلام آورد و با رسول الله (ص) بیعت  
نموده است.

ام حارث دختر مالک بن خنسا انصاری نیز خواهر اروی موصوفه می باشد.

حیة الصحابیات صفحه ۱۳

طبقات محمد ابن سعد جلد هشتم صفحه ۴۰۲

### اروی دختر مقوم هاشمی

اروی دختر مقوم بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف هاشمی دختر عموی رسول  
الله (ص) و زوجه پسر عمویش ابی سفیان بن حارث بوده است.  
زبیر بن بکار از وی یاد آوری نموده و می گوید از ایشان دخترانی نیز متولد  
گردیدند.

اما ابن سعد گفته است که اروی را ابومسروح (حارث) بن یعمر بن حبان بن عمیره  
بن ملان بن ناصر بن قصبه بن سعد بن بکر بن هوازن که هم پیمان عباس بن  
عبدالمطلب بود به نکاح گرفت و از ایشان عبدالله بن ابی مسروح متولد گردید.  
ابن سعد اسم مادر اروی قلابه گفته است.

الاصابه صفحه ۱۶۳۰

حیة الصحابیات صفحه ۱۴

طبقات ابن سعد جلد هشتم صفحه ۴۸

## ازده دختر حارث ثقفی

ازده دختر حارث بن کلهه ثقفی و زوجه عتبه بن غزوان امیر بصره بوده و از وی در هنگام ورودش به بصره نام برده شده زیرا برادران مادری وی ابوبکره، نافع و زیاد بن عبید که بعدا بنام زیادبن ابو سفیان مسمی گردید به بصره آمدند. مادر جمیع ایشان سمیه کنیز حارث بن کلهه ثقفی بود از ازده بلاذری یاد نموده و می گوید: در زمان حجه الوداع هیچکس از قزیش و ثقیف باقی نمانده بود مگر اینکه اسلام آورده و در حجه الوداع شرکت نمودند بدین لحاظ موصوفه را نیز از جمله زنان صحابیه شمرده است.

الإصابة صفحه ۱۶۳۰

## ازمد

ازمد را ابو موسی مدینی ۱ به نقل از کتاب ذیل العرینین هروی ذکر کرده اما ابن حجر عسقلانی صاحب کتاب الإصابة قول وی را صحیح ندانسته است.

الإصابة صفحه ۱۶۳۰

حياة الصحابیات صفحه ۱۰

## اساف

اساف دختر خلیفه کلبی را حمدالله مستوفی قزوینی ۲ در کتاب تاریخ گزیده خود نام برده و می گوید: اساف دختر خلیفه کلبی چون مدتی با پیامبر(ص) بود در گذشت

---

<sup>۱</sup> ابوموسی مدینی اصفهانی: محمد بن عمر بن احمد بن عمر بن محمد بن محمد بن محمد اصفهانی مکنی به ابو موسی و مشهور به حافظ ابوموسی مدینی اصفهانی محدث شافعی بوده و در سال ۵۰۱ هجری قمری در اصفهان متولد گردیده و در سال ۵۸۱ هجری قمری در همان شهر وفات یافته است از تصانیف وی کتب ذیل می باشد: ۱ اخبار الطوال ۲ اسماالمشترکه بین الرجال والنساء ۳ انساب المحدثین ۴ تتمه الغریبین ۵ تتمه معرفه الصحابه ۶ الترغیب والترهیب ۷ تزییع العمر والایام ۸ دستورالمذکرین ۹ الذخیره والعهده فی مناقبه ابی عبدالله بن جنده در ذیل کتاب اسما الصحابه ابن منده ۱۰ سباعیات در حدیث ۱۱ الشرح المکمل فی نسب الحسن المهمل ۱۲ الطوال فی الواهن والموضوع من الحدیث در دو جلد ۱۳ عوالی التابعین ۱۴ کتاب حفظ و نسیان ۱۵ کتاب الطائف من دقائق المعارف فی علوم الحفاظ والاعارف ۱۶ کتاب الوظائف ۱۷ مجموع المغیث فی علمی القرآن والحديث ۱۸ من اسمه صالح ۱۹ من اسمه عطا ۲۰ نزهه الحفاظ

کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه ۸۰ و ۸۱

<sup>۲</sup> حمدالله مستوفی قزوینی: خواجه احمد بن اتابک بن نصر قزوینی مکنی به ابوبکر و معروف به حمدالله مستوفی یکی از مشاهیر مورخان است وی در سال ۷۳۰ هجری قمری بنام وزیر غیاث الدین بن شمس الدین صاحب کتاب جامع التواریخ تاریخ معتبری بنام تاریخ گزیده نگاشت که مشتمل است بر احوال ملوک قدیمه ایران و تاریخ دولت های اسلامی که در عصر خلفای عباسی حکمرانی کردند و مدتی بعد از آن. و علاوه چند کتاب دیگر از جمله ایضاح المقادیر، مفاخر التواریخ و کتابی در جغرافیا هیئت بنام نزهه القلوب فی الاراضی والممالک والعنصریات والافلاک والکواکب به زبان فارسی و تاریخ منظوم فارسی بنام ظفرنامه که مشتمل است بر پنجاه هزار بیت و پانزده سال قزوینی بروی آن کار کرده است و در سال ۷۳۵ هجری قمری تألیف آنرا به اتمام رسانیده است.

به غیر از او و زینب ام المساکین و خدیجه دیگر زنان پیامبر اسلام در زمان حیات  
شان متوفی نگردیدند.  
تاریخ گزیده حمدالله مستوفی صفحه ۱۶۰

### اسماء دختر ابن الاشعریه

اسماء دختر ابن الاشعریه از جمله زنان صحابیه بوده و از وی بطور مختصر  
جعفر مستوفی یاد نموده اما روایتی از او نقل نگردیده است و ابو موسی نیز اسم  
او را آورده است.  
الاصابه صفحه ۱۶۳  
اسدالغابه جلد هفتم صفحه ۷

### اسماء دختر انس اکلبی خثعمی

اسماء دختر انس بن مدرک بن کعب بن عمرو بن سعد بن عوف بن عتیک بن جابر  
بن عامر بن تیم الله بن مبشر بن اکلب اکلبی خثعمی و زوجه خالد بن ولید و مادر  
مهاجر بن خالد، عبدالله بن خالد و عبدالرحمن بن خالد فرزندان خالد بن ولید  
صحابی مشهور رسول الله (ص) بوده و از جمله زنان صحابیه می باشد.  
الاصابه صفحه ۸۴، ۸۵ و ۱۶۳  
حیة الصحابیات صفحه ۵۷

---

حمدالله مستوفی قزوینی در ۷۵۰ هجری قمری وفات یافته است. برادر حمدالله مستوفی نیز یکی از مشاهیر  
بوده و علت آنکه خوانواده وی به مستوفی شهرت داشتند انتصاب آنها به یک خانواده قدیمی در قزوین معروف  
به مستوفیان بوده که نسب خود را به حر بن یزید ربیعی می رسانند و این خانواده غالباً در عهد ملوک و  
سلاطین مختلفه به شغل استیفای ولایات منصوب بوده اند.

کشف الظنون حاجی خلیفه صفحه ۹۲ و ۹۳

مقدمه تاریخ گزیده بقلم دکتر ادوارد براون انگلیسی

لغت نامه دهخدا جلد ششم صفحه ۹۱۹۸ به نقل از قاموس اعلام

---